

شرایطه امداد های غیبی خداوند بر بندگان

□ حسن علي محمودي

چکیده

امدادهای غیبی خداوند، تأثیر شگرفی در زندگی انسان ها دارد. در قرآن کریم و روایات معصومین (ع) این موضوع به تأکید مطرح شده، به گونه ای که دیگر نمی توان گفت امدادهای غیبی در زندگی انسان ها یک استثناست و تنها در موارد نادری نمایان می شود، بلکه یکی از سنت های الهی است که مؤمن می تواند در سختی های زندگی به آن دل ببندد و امید نجات داشته باشد. با توجه به اهمیت این موضوع و نقش آن در زندگی بشر این تحقیق برخی عناصر مهم و عوامل نزول امدادهای غیبی الهی را مورد بررسی قرار داده است. آنچه از آیات و روایات به دست می آید امدادهای الهی برای بشر براساس ضابطه است؛ یعنی مطابق آیات قرآن در صورتی که مؤمنین از خود شایستگی نشان دهند، و با ایمان و عمل صالح و اخلاص در عمل با صبر و تحمل مصائب و ناملایمات در این راه قابلیت خود را به نمایش بگذارند، استحقاق دریافت یاری های ویژه الهی را به دست می آورند. این امدادها به صورت متنوع با شیوه های مختلف از طریق عوامل بیرونی و درونی نازل میشوند. مواردی مانند نزول فرشتگان، انجام امور غیر ممکن، پیروزی لشکر اندک اما با ایمان راسخ و مخلص در برابر لشکر کثیر، هدایت بخشی و ایجاد آرامش از نمونه های امدادهای غیبی محسوب می شوند.

واژگان کلیدی: امدادهای غیبی، ایمان، تقوا، اخلاص، توسل، توکل، صبر و مقاومت.

مقدمه

تردیدی نیست که جهانی که مادر آن زندگی می کنیم، هستی، نظم، حیات و نشاط خود را از خالق هستی (خداوند) می گیرد. به عبارت دیگر جهان طبیعت (همه اشیاء) در اصل هستی خود، نیازمند کمک ها و مدد های خداوند است؛ لحظه ی امداد های الهی در مورد عالم هستی متوقف نبوده و نخواهد بود، به عبارت دیگر در سراسر عالم هستی به صورت عموم مدد های غیبی الهی حکم فرما است، از اینکه انسان خود جزء این عالم است علاوه بر امداد های کلی، در زندگی بشر يك سلسله مدد های غیبی خاصی هم در نظر گرفته شده است. که در موارد خاصی خداوند بندگان مؤمن و مخلص خودش را که قابلیت و شایستگی خودش را به نمایش میگذارد از آن بهره مند میسازد. بندگان خداوند بر اساس فطرت خودشان دریافته اند که در موارد خاصی وقتی با سختی ها و مشکلات های طاقت فرسا مواجه میشوند نا خود آگاه توجه ویژه ی به قادر متعال خویش پیدا می کنند و از خداوند کمک می خواهند و به امداد های الهی دل می بندند و خاضعانه انتظار کمک های غیبی را به سر می پرورانند. و خداوند هم در این راستا بندگان را مورد توجه و لطف خودش قرار داده و نا امید نمی کند. چنانکه نمونه ای از امداد خواهی بندگان از خداوند در نماز های پنجگانه اینگونه به تصویر کشیده شده است: «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ»؛ (یعنی خدایا! تنها تو را می پرستیم و تنها از تو کمک می خواهیم). (فاتحه/ ۴)

مفهوم شناسی

ریشه لغوی کلمه امداد (مدد) است و به معنی انبساط و امتداد است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۵۲/۱۱) مدت نیز که برای زمان مستمر بکار میرود از همین باب است، امداد به معنی یاری رساندن و کمک کردن و بیشتر برای چیز های دوست داشتنی استفاده میشود. امداد منحصر به کمک مادی نیست و کمک و یاری رساندن غیبی را نیز شامل میشود. «غیب» چیزی است که از انسان پوشیده و مخفی است، گرچه به معنای شک نیز به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱/۶۵۴) زیرا شک معمولاً در امر مخفی حاصل می شود. از این

رو امداد های غیبی را کمک های دانسته اند که از عوامل غیبی ناشی می شوند؛ و دربردارنده تمامی نعمت های آشکار و پنهانی است که خداوند بر ما ارزانی داشته است برخی امداد های غیبی را فقط شامل کمک های ویژه خدا برای مؤمنان در شرایط خاص می دانند که به شکل غیرعادی پدید می آید (ناصحی، ۱۳۸۷: ۱۷).

امدادهای غیبی در قرآن به معنای مددهایی است که از غیب سرچشمه می گیرد، هر چند باتوجه به معنای لغوی این واژه می توان جهان و نظم، حیات و نشاط و همه نعمت های موجود در آن را مدد گرفته از عالم غیب و از مصادیق امدادهای غیبی دانست. (مطهری، ۱۳۸۹: ۳/۳۴۴). چنان که قرآن کریم، اموال و فرزندان را از امدادهای الهی در زندگی بشر دانسته است در آیه ۶ سوره اسرا آمده است: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»؛ بار دیگر شما را بر آنها غلبه دادیم و به مال و فرزند مدد کردیم و بر شمارتان افزودیم.

مرتضی مطهری امدادهای غیبی را همچون رحمت خدا، به دو معنای عام و خاص تقسیم می کند: امداد عام شامل تمامی نعمت هایی است که خداوند به همه مخلوقاتش اعطا کرده و امداد خاص فقط دربردارنده کمک ها و نعمت هایی است که خداوند به مومنان در شرایط خاص ارزانی می دارد (مطهری، همان، ۳/۳۴۴-۳۴۵).

در تفاوت امدادهای غیبی و معجزه درحالی که هر دو از طریق غیرعادی و عوامل پنهان رخ میدهد گفته اند: امدادهای غیبی همراه با تحدی و ادعای نبوت نیست؛ اما معجزه این دو خصوصیت را دارد چراکه؛ همراه با تحدی و ادعای نبوت بوده و لزوماً معجزه از طریق پیامبر رخ میدهد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸۲/۱).

مصادیق امدادهای غیبی در قرآن

۱- حضرت یوسف (ع) توسط امدادهای غیبی خداوند از حيله زلیخا که آن حضرت را به دام گناه میکشاند رهایی بخشید چنانکه قرآن کریم می فرماید: «وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَأَى بُرْهَانَ رَبِّهِ كَذَلِكَ لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُخْلَصِينَ»؛ و در

حقیقت [آن زن] آهنگ وی کرد، و [یوسف نیز] اگر برهان پروردگارش را ندیده بود، آهنگ او می‌کرد. چنین [کردیم] تا بدی و زشتکاری را از او بازگردانیم، چرا که او از بندگان مخلص ما بود. (یوسف/ ۲۴)

۲- فرعون حضرت موسی (ع) را در کوچکی میخواست به قتل برساند با امداد الهی والهامات که خداوند به مادر موسی (ع) عطا کرد مادر حضرت موسی برای حفظ جان او بچه کوچک خودش را در تابوتی گذاشت در رود نیل انداخت تابوت آن حضرت به قصر فرعون رسید خادمان او را گرفتند نزد فرعون بردند او در دربار فرعون بزرگ شد، چنانکه قرآن کریم می‌فرماید: «أَن أَقْذِفِهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْذِفِهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِّي وَ عَدُوٌّ لَهُ وَ الْفَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِنِّي وَ لِتُصْنَعَ عَلَيَّ عَيْنِي»؛ او را در صندوقچه‌ای بگذار، سپس در دریای افکن تا دریا [رود نیل] او را به کرانه اندازد [و] دشمن من و دشمن وی، او را بگیرد. و مهری از خودم بر تو افکنم تا زیر نظر من پرورش یابی (طه/ ۳۹)

۳- شکست اصحاب فیل: ابرهه بالشکرش خودش تصمیم گرفت مکه را خراب کند اما خداوند با امدادهای غیبی لشکر قدرت مند حبشه را با فرستادن پرندگان کوچکی بنام ابابیل زمین گیر و نابود ساخت. چنانکه در قرآن کریم در سوره فیل این داستان بیان شده است (فیل/ ۱-۵)

۴- نجات جان پیامبر اسلام (ص) با امداد های غیبی خداوند. در قرآن کریم میخوانیم: «وَ إِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَ يَمْكُرُونَ وَ يَمْكُرُ اللَّهُ وَ اللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ»؛ و [یاد کن] هنگامی را که کافران در باره تو نیرنگ می‌کردند تا تو را به بند گشند یا بکشند یا [از مکه] اخراج کنند، و نیرنگ می‌زدند، و خدا تدبیر می‌کرد، و خدا بهترین تدبیرکنندگان است. (انفال/ ۳۰)

شأن نزول:

مفسران و محدثان، آیه فوق را اشاره به حوادثی می‌دانند که منتهی به هجرت پیامبر (ص) از مکه به مدینه شد، این حوادث که با تعبیراتی مختلف نقل شده همگی يك حقیقت را تعقیب

می‌کنند و آن اینکه خداوند به طرز اعجاز آمیزی پیامبر (ص) را از دام يك خطر بزرگ و قطعی رهایی بخشید، جریان حادثه طبق نقل «در المنثور» چنین است:

گروهی از قریش و اشراف مکه از قبائل مختلف جمع شدند تا در "دار الندوة" (محل انعقاد جلسات مشورتی بزرگان مکه) اجتماع کنند، و در باره خطری که از ناحیه پیامبر (ص) آنها را تهدید می‌کرد بیندیشند.

(می‌گویند) در اثناء راه پیر مرد خوش ظاهری به آنها برخورد کرد که در واقع همان شیطان بود (یا انسانی که دارای روح و فکر شیطانی) از او پرسیدند کیستی؟ گفت پیر مردی از اهل نجد هستم چون از تصمیم شما با خبر شدم خواستم

در مجلس شما حضور یابم و عقیده و خیر خواهی خود را از شما دریغ ندارم گفتند بسیار خوب داخل شو! او هم همراه آنها به دار الندوة وارد شد.

یکی از حاضران رو به جمعیت کرد و گفت در باره این مرد (اشاره به پیامبر اسلام) باید فکری کنید، زیرا به خدا سوگند بیم آن می‌رود که بر شما پیروز گردد (و آئین و عظمت شما را در هم پیچد).

یکی پیشنهاد کرد او را «حبس» کنید تا در زندان جان بدهد ...

پیر مرد نجدی این نظر را رد کرد و گفت بیم آن می‌رود که طرفدارانش بریزند و در يك فرصت مناسب او را از زندان آزاد کنند و او را از این سرزمین بیرون ببرند، باید فکر اساسی‌تری کنید.

دیگری گفت او را از میان خود بیرون کنید تا از دست او راحت شوید، زیرا همین که از میان شما بیرون برود هر کار کند ضرری به شما نخواهد زد و سر و کارش با دیگران است.

پیر مرد نجدی گفت به خدا سوگند این هم عقیده درستی نیست، مگر شیرینی گفتار و نفوذ او را در دل‌ها نمی‌بینید، اگر این کار را انجام دهید به سراغ سایر عرب می‌رود و گرد او را می‌گیرند، سپس با انبوه جمعیت به سراغ شما باز می‌گردد و شما را از شهرهای خود می‌راند و بزرگان شما را به قتل می‌رسانند! جمعیت گفتند به خدا راست می‌گویید فکر دیگری کنید.

«ابو جهل» که تا آن وقت ساکت بود به سخن در آمد و گفت: من عقیده‌ای دارم که غیر از آن را صحیح نمی‌دانم!

گفتند چه عقیده‌ای؟ گفت از هر قبیله‌ای جوانی شجاع و شمشیر زن را انتخاب می‌کنیم و به دست هر يك شمشیر برنده‌ای می‌دهیم تا در فرصتی مناسب دسته جمعی به او حمله کنند، و هنگامی که به این صورت او را بقتل برسانید خونس در همه قبائل پخش می‌شود، و باور نمی‌کنم طائفه بنی هاشم بتوانند با همه طوائف قریش بجنگند و مسلما در این صورت به خونبها راضی می‌شوند، و ما هم از آزار او راحت خواهیم شد.

پیر مرد نجدی (با خوشحالی) گفت به خدا رأی صحیح همین است که این جوانمرد گفت من هم غیر از آن عقیده‌ای ندارم (و به این ترتیب این پیشنهاد به اتفاق عموم پذیرفته شد) و آنها با این تصمیم پراکنده شدند.

جبرئیل فرود آمد و به پیامبر دستور داد که شب را در بستر خویش ن خوابد.

پیامبر شبانه به سوی غار (ثور) حرکت کرد و سفارش نمود علی (ع) در بستر او بخوابد (تا کسانی که از درز در مراقب بستر پیامبر (ص) بودند او را در بسترش خیال کنند و تا صبح مهلت دهند و او از منطقه خطر دور شود). هنگامی که صبح شد و به خانه ریختند و جستجو کردند علی (ع) را در بستر پیامبر (ص) دیدند و به این ترتیب خداوند نقشه‌های آنان را نقش بر آب کرد، صدا زدند پس محمد (ص) کجاست؟ فرمود نمی‌دانم آنها به دنبال رد پای پیامبر حرکت کردند تا به کوه رسیدند و به نزدیکی غار اما (با تعجب دیدند که تار عنکبوتی در جلو غار نمایان است به یکدیگر گفتند اگر او در این غار بود اثری از این تارهای عنکبوت بر در غار وجود نداشت و به این ترتیب باز گشتند). (سیوطی، ۱۴۰۴: ۳/ ۱۷۹)

پیامبر (ص) سه روز در غار ماند (و هنگامی که دشمنان همه بیابان‌های مکه را جستجو کردند و خسته و مأیوس باز گشتند آنحضرت به سوی مدینه حرکت کرد). خداوند در قرآن کریم این ماجرا چنین بیان میکند: «إِلَّا تَتَصَرَّوه فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا إِثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَى وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ

حَکِیم؛ اگر او [پیامبر] را یاری نکنید، قطعاً خدا او را یاری کرد: هنگامی که کسانی که کفر ورزیدند، او را [از مکه] بیرون کردند، و او نفر دوم از دو تن بود، آن گاه که در غار [ثور] بودند، وقتی به همراه خود می‌گفت: «اندوه مدار که خدا با ماست.» پس خدا آرامش خود را بر او فرو فرستاد، و او را با سپاه‌یانی که آنها را نمی‌دیدید تأیید کرد، و کلمه کسانی را که کفر ورزیدند پست‌تر گردانید، و کلمه خداست که برتر است، و خدا شکست‌ناپذیر حکیم است. (توبه/۴۰)

۶- ایجاد وحشت در دل دشمن بعد از جنگ اُحد: «سَلِّقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطَانًا وَ مَا وَاهُمُ النَّارُ وَ بَشَسَ مَثْوَى الظَّالِمِينَ»؛ به زودی در دل‌های کسانی که کفر ورزیده‌اند بیم خواهیم افکند، زیرا چیزی را با خدا شریک گردانیده‌اند که بر [حقانیت] آن، [خدا] دلیلی نازل نکرده است. و جایگاهشان آتش است، و جایگاه ستمگران چه بد است. (آل عمران/۱۵۱)

طبق نقل منابع تاریخی کفار قریش که در جنگ احد بعد از شکست اولیه به خاطر نافرمانی برخی از لشکر اسلام و مشغول برای جمع آوری غنیمت به پیروزی چشم‌گیری دست پیدا کردند از این رو تصمیم داشتند به مدینه حمله کنند و کار مسلمانان را یکسره نمایند اما خداوند به طور معجزه آسایی ترس و وحشت را در دل آنها ایجاد نمود که از تصمیم شان منصرف شدند و به مکه برگشتند در حالیکه حالت یک لشکر شکست خورده در شکل و قیافه آنها نمایان بود.

در روایات متعددی می‌خوانیم که پیغمبر می‌فرمود: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): «أُعْطِيَتْ خُمْسًا لَمْ يُعْطَهَا أَحَدٌ قَبْلِي... وَ نُصِرْتُ بِالرُّعْبِ...»؛ یکی از امتیازاتی که خداوند به من داده است این است که مرا به وسیله انداختن ترس در دل دشمن پیروزی داده است (۱). (ابن بابویه، ۱۳۷۶: ۲۱۶)

این موضوع اشاره به یکی از عوامل مهم پیروزی در جنگها می‌کند که مخصوصاً امروز بسیار مورد توجه است که یکی از مهمترین عوامل پیروزی، روحیه سرباز است و آن قدر که روحیه عالی سربازان در پیروزی تاثیر دارد کم و کیف آنها و چگونگی سلاح آنها اثر ندارد، اسلام با تقویت روح ایمان و عشق به جهاد و افتخار به شهادت و اتکای به خداوند قادر منان

این روح را در مجاهدان خود به عالیت‌ترین وجهی پرورش داد در حالی که بت‌پرستان خرافی که تکیه‌گاهشان بت‌های بی اراده و بی جان بود و عقیده به معاد و زندگی پس از مرگ نداشتند و خرافات افکار آنها را آلوده کرده بود روحیه‌ای ضعیف و ناتوان داشتند و یکی از عوامل مؤثر پیروزی مسلمانان بر آنها همین تفاوت روحیه بود.

۷- ایجاد آرامش در دل لشکر اسلام در جنگ حنین چنانکه در قرآن کریم در این رابطه می‌خوانیم: «أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ»؛ آن گاه خدا آرامش خود را بر فرستاده خود و بر مؤمنان فرود آورد، و سپاه‌یانی فرو فرستاد که آنها را نمی‌دیدید، و کسانی را که کفر ورزیدند عذاب کرد، و سزای کافران همین بود. (توبه/ ۲۶)

شرایط جلب امدادهای غیبی

این نکته را نباید فراموش کرد که کمک‌های الهی بدون حساب و برای همه نیست. بلکه برخوردار شدن از کمک‌های خاص خداوند در سختی‌ها و مشکلات، در صورتی شامل حال بنده گان می‌شود، که بنده گان خود زمینه الطاف و امداد‌های غیبی را فراهم و قابلیت نزول برکات و مدد خداوندی را پیدا کنند.

درواقع برخوردار از رحمتها و فیض‌های ویژه‌ی خداوند متعال پیش نیازهای گوناگونی می‌- طلبد و بدون آن شرایط انسان شایسته‌ی بهره‌مندی از کمک‌های غیبی نمی‌گردد. از جمله قرآن می‌فرماید: «إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَیُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ»؛ اگر خداوند را یاری کنید ما نیز شما را یاری می‌کنم (محمد/ ۷)

بنابراین کمک‌های الهی در صورتی به سراغ بندگان می‌آید، که آن بنده قابلیت نزول برکات و صلاحیت امدادهای غیبی را در خود زنده نماید. در اینکه چه چیزی موجب نزول کمک‌های الهی بر بندگان می‌شود؟.

قرآن کریم و روایات ائمه معصومین علیهم السلام مواردی را به عنوان جلب نزول کمک‌های الهی در هنگام سختیها و مشکلات قلمداد می‌کند؛ که در این نوشتار به صورت فشرده به

برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

۱- ایمان

یکی از شرایط مهم نازل شدن امدادهای غیبی، ایمان به غیب است؛ یعنی انسان باور داشته باشد که بیش از علت‌های مادی که هر کدام منشأ اثر یک پدیده می‌گردد اسباب دیگری در طول این علت‌های مادی، در کار جهان مؤثراند که در حقیقت همان علت‌های غیبی اند که از افقی فراتر به این اشیای مادی سببیت بخشیده و نظام عالم را تدبیر می‌کنند، آتشی که می‌سوزاند، آبی که سیراب می‌کند و بادی که می‌وزد همگی به تدبیر فرشتگان الهی اند که به دستور کارگزار هستی، در کار جهان تأثیر می‌کنند و عالم را به سوی کمال نهایی اش می‌کشانند.

چنانکه خداوند متعال به عنوان یک قانون کلی می‌فرماید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَ الَّذِينَ آمَنُوا»؛ همانا ما فرستادگان خود و مؤمنان را یاری می‌رسانیم (غافر/۵۱).

البة ایمان درجاتی دارد بر حسب آیه‌های قرآن و روایت‌های معصومین (ع)، هرچه ایمان بیشتر شود، میزان تأثیر آن در نازل شدن امدادهای غیبی نیز بالاتر می‌رود. روزی اصحاب پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم با شگفتی از ایشان پرسیدند که چگونه حواریون عیسی علیه السلام بر روی آب راه می‌رفتند؟ حضرت فرمود تعجب نکنید؛ این امر به خاطر ایمان آنها بود و شما نیز اگر ایمان تان بیشتر از آن‌ها گردد، در هوا هم می‌توانید راه بروید. (درگاه زاده، ۱۳۸۱: ۱۲)

از امام صادق (ع) پرسیدند: اصحاب عیسی (ع) چگونه بر روی آب راه می‌رفتند، اما یاران محمد (ص) چنین نیستند؟ حضرت فرمود: اصحاب و یاران عیسی (ع) دست از معاش کشیده و ترك دنیا گفته بودند، اما یاران محمد (ص) مبتلا به امر معاش و اداره امور زندگی خویش بودند (مشایخ، ۱۳۸۱: ۵۸۴)

۲- اخلاص

از جمله عواملی که زمینه‌ی امداد غیبی را برای فرد و جامعه فراهم می‌کند، اخلاص است.

همان گونه که بندگان مخلص خداوند به وسوسه و نفوذ شیطان دچار نم شوند، خداوند نیز به دلیل صدق و صفایشان از آنان پشتیبانی می کند.

علامه ی طباطبایی می فرماید: «مخلصین کسانی اند که خدای تعالی آنها را برای خود خالص کرده، که دیگر کسی از جمله شیطان در آنان نصیبی ندارد. (طباطبای، ۱۴۱۷: ۲۲۷). علی (علیه السلام) جمله بسیار جالبی دارد در زمینه نصرتهای الهی و اینکه در چه شرایطی مددها و تأییدات غیبی می رسد. می فرماید: «ولقد کُنّا مع رسول الله نقتل ابائنا و أبنائنا و إخواننا و أعمامنا، ما یزیدنا ذلك إلا ایمانا و تسلیما و مضیّا علی اللّقم و صبرا علی مضض الألم و جدّا فی جهاد العدو. و لقد کان الرّجل منّا و الآخر من عدوّنا یتصاولان یتصاول الفحلین، یتخالسان انفسهما ایّهما یسقی صاحبه كأس المنون، فمرّة لنا من عدوّنا و مرّة لعدوّنا منّا، فلمّا رأى الله صدقنا أنزل لعدوّنا الکبت و أنزل علینا النّصر ... و لعمری لو کُنّا نأتی ما أتیتما ما قام للذّین عمود و لا اخضرّ للایمان عود» (نهج البلاغه، خطبه ۵۶)؛ آنگاه که در خدمت رسول اکرم بودیم، در راه ایمان و عقیده با پدران و پسران خود می جنگیدیم و از اینکه شمشیر بر روی آنها و برادران و عموهای خود بکشیم و آنها را بکشیم پروا نداشتیم. اینچنین پیشامدهای سخت، ما را سست نمی کرد و بر استقامت و ثبات قدم و صبر و پیشروی ما می افزود. چنان بود که گاهی در میدان جنگ یکی از ما و یکی از دشمنان ما در جنگ تن به تن مانند دو شتر نر خشمناک به هم می پیچیدند، هر یک می خواست جان دیگری را بریاید؛ گاه ما بر دشمن و گاه دشمن بر ما پیروز می شد. چون صدق نیت ما مشهود ذات حق گشت (یعنی چون صدق نیت ما به حقیقت پیوست، زیرا تحقق هر چیزی مساوی است با مشهود بودن آن برای ذات حق) خداوند خذلان را بر دشمن ما و نصرت را بر ما نازل فرمود (یعنی چون ما هم می کوشیدیم و هم کوشش ما در راه حقیقت بود و دشمن ما می کوشید اما نه در راه حقیقت بلکه در راه دفاع از باطل و از هوای نفس، خداوند ما را مدد فرمود) ... به خدا قسم اگر ما مانند امروز شما بودیم نه استوانه ای از دین بر پا می شد و نه درختی برای اسلام و ایمان سبز می گشت.

چنانکه مشاهده می کنید، علی (ع) در این جمله ها جدّیت و اخلاص مسلمانان صدر اوّل را موجب نصرتهای عظیم الهی ذکر می کند، و اینکه اگر آنهمه مجاهدتها و اخلاصها نمی بود

پیروزی هم نبود.

۳- تقوا

تقوا یعنی انجام دادن واجبات و ترک محرمات، به تعبیر امام صادق علیه السلام تقوا اینکه: انسان پیوسته خود را در بیابان پر از خار ببیند و بکوشد تا خاری از خارهای هوی و هوس برپای او فرو نرود.

بنابراین انسان های باتقوا و پرهیزگار در تمام تعامل های شان در جامعه، تنها به رضای الهی می اندیشند و از سودها و لذتهایی که رضای خداوند در آنها نیست، چشم پوشی می کنند و در حقیقت در این جهان با خداوند معامله می کنند. مسلماً طرف این معامله که خداوند بی نیاز و عادل است، بهای کارهای آنان را به نیکوترین وجه می پردازد.

رسول خدا (ص) فرمود: «أَنَّهُ قَالَ خَصْلَةٌ مَنْ لَزِمَهَا أَطَاعَتْهُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةُ وَرَبِحَ الْفَوْزَ فِي الْجَنَّةِ قِيلَ وَ مَا هِيَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ التَّقْوَى مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُونَ أَعَزَّ النَّاسِ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ ثُمَّ تَلَا «؛ پیامبر اسلام (ص) فرمود کسی که یک خصلت راپیشه خود سازد دنیا و آخرت با او همگام شود، و بهره کافی در بهشت ببرد. سوال شد! آن چیست؟ یارسول الله! فرمود: تقوی، کسی که اراده کند که عزیز مردم باشد پس تقواپیشه کند؛ آنگاه آیهی «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»؛ هرکس تقوا پیشه کند، خداوند برای او در کارهایش گشایش قرار می دهد (طلاق/۲) را تلاوت نمود (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۱۸/۲۶۷).

علی علیه السلام درباره نقش تقوا در نزول امدادهای الهی می فرماید: «فَمَنْ أَخَذَ بِالتَّقْوَى عَزَبَتْ عَنْهُ الشَّدَائِدُ بَعْدَ دُنُوهَا وَ احْلَوْلَتْ لَهُ الْأُمُورُ بَعْدَ مَرَارَتِهَا وَ انْفَرَجَتْ عَنْهُ الْأُمُوجُ بَعْدَ تَرَاكُمِهَا وَ أَسْهَلَتْ لَهُ الصَّعَابُ بَعْدَ انْصَابِهَا؛ هرکس به دامن تقوا چنگ بزند، سختی ها بعد از آن که به او نزدیک شده اند، از او دور می شوند و کارهایی که برای ذائقه ی او تلخ شده اند، برایش شیرین می شوند؛ موج هایی که بر هم جمع شده اند و می خواهند او را به کام بکشند، از او کنار می روند و کارهای سخت بر او آسان می گردد (شریف رضی، ۱۴۱۴: ۳۱۳). در مسایل علمی نیز تقوا موجب الهامها و روشن گری های غیبی می شود.

۴- توسّل به امامان علیهم السلام

از امور دیگری که موجب بهره مندی از امدادهای غیبی در زندگی انسان می شود، توسّل به امامان معصوم علیه السلام است. ائمه معصومین(ع) درهای رحمت الهی اند که در نزد خداوند مقام والای دارند و برای واسطه بودن و دریافتن امدادهای غیبی، کسی بهتر از آن بزرگواران نیست.

در آیات و روایات بسیاری سفارش شده است که هنگام دعا به واسطه های فیض؛ یعنی محمدصلی الله علیه وآله وسلم و آل او متوسّل شویم.

امام موسی بن جعفر علیه السلام می فرماید: «إِذَا كَانَتْ لَكَ حَاجَةٌ إِلَى اللَّهِ فَقُلْ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ، فَإِنَّ لَهُمَا عِنْدَكَ شَأْنًا مِنَ الشَّأْنِ؛ زَمَانِي كَمَا حَاجْتُ وَنِيازِي دَارِي، بِهِ خَدَاوَنْد بگو: پروردگارا به حق محمدصلی الله علیه وآله وسلم و علی علیه السلام که در نزد تو مقام و آبرو دارند از تو می خواهم، حاجت مرا برآورده سازی(ری شهری، ۱۴۳۳: ۲۶۱/۳).

حتی در بعضی از روایات آمده است که برخی از پیامبران پیشین در گرفتار یها و مناجات هایشان این خاندان شریف را، واسطه میان خود و خدا قرار می دادند. امام صادق علیه السلام از رسول خدا روایت کرده است که: «نوح علیه السلام هنگام سوار شدن به کشتی، از خطر غرق شدن ترسید و گفت: خدایا به حق محمد و آل محمدصلی الله علیه وآله وسلم از تو می خواهم از غرق شدن نجاتم بخشی، پس خدای بزرگ او را نجات داد(مجلسی، ۱۴۱۴: ۱۲/ ۲۶۰).

۵- احترام به پدر و مادر

دین مقدس اسلام به طرز عجیبی به نیکی به پدر و مادر، اهتمام داده است. به طوری که قرآن نیکی به والدین را در ردیف شریک قرارن دادن به خداوند قرار داده است، که نشا نگر ارزش والای این مسأله نزد خداوند می باشد. حتی در حدیث آمده است که احترام پدر و مادر لازم است، هرچند کافر یا مشرک باشند(حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/۱۵۵).

نیکی به پدر و مادر در بهره‌مندی از امدادهای غیبی تأثیر زیادی دارد. به تجربه ثابت شده است افرادی که به پدر و مادر خود نیکی کرده‌اند، خداوند نیز به رزق و روزیشان گشایش بخشیده است؛ به گونه‌ای که با تلاش اندک، درآمد زیادی کسب کرده‌اند.

در قرآن کریم می‌خوانیم: « شخصی از بنی اسرائیل به طرز مرموزی کشته شد در حالی که قاتل به هیچ وجه معلوم نبود. در میان قبیله‌های بنی اسرائیل کشمکش‌ها در افتاد و هر قبیله، دیگری را متهم به قتل می‌کرد. سرانجام موسی را داور خود قرار دادند و حل مشکل را از او خواستار شدند. حضرت به آنها فرمود: گاوی را بکشید و به بدن مرده بزنید تا او زنده شده، قاتل خود را معرفی کند، ولی آنان بهانه‌جویی کردند و آن قدر از ویژگی‌های گاو پرسیدند که مسأله طولانی شد، ولی هربار که آنها از ویژگی‌های آن گاو می‌پرسیدند، خداوند نیز ویژگی‌های جدیدی را بیان می‌کرد. در نتیجه، گزینش را برای آنها مشکل می‌ساخت تا سرانجام گاوی را با آن ویژگی‌ها که در آن سرزمین، یگانه بود، یافتند و به قیمت گزافی خریدند. بعضی مفسران در ادامه آورده‌اند که صاحب گاو مرد نیکوکاری بود که به پدرخویش بسیار احترام می‌کرد؛ روزی که پدرش در خواب بود معامله‌ی پرسودی برایش پیش آمد، ولی به خاطر این که پدرش ناراحت نشود، حاضر نشد او را بیدار سازد و کلید صندوق را از او بگیرد. در نتیجه، از معامله چشم پوشی کرد. خداوند نیز به جبران این گذشت او، معامله پرسود یاد شده را برای وی فراهم ساخت. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وسلم در این باره فرمود: نیکی را بنگرید که با نیکوکار چه می‌کند؟ (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱/۲۰۹).

۶- صبر و ایستادگی

بیش از سی‌آیه در قرآن، مسأله‌ی پایداری را درباره‌ی مبارزه‌های رهبران الهی مطرح کرده است. بعضی آیه‌ها به طور مستقیم بر نقش صبر در امدادهای الهی تأکید کرده‌اند؛ می‌فرماید: « وَاصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ »؛ صبر کنید که خداوند با صبرکنندگان است» (انفال/ ۴۶).

همراه بودن صبر و امدادهای غیبی یکی از سنت‌های الهی است که درباره‌ی اقوام گذشته

جاری بوده است. چنان که پیروزی بنی اسرائیل بفرعونیان به فرموده قرآن به خاطر پایداری آنان بوده است: «وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَٰئِيلَ بِمَا صَبَرُوا»؛ تحقق وعده نیک پروردگارت بر بنی اسرائیل، به خاطر صبر و استقامت آنها بود (اعراف/۱۳۷).

این سنت الهی است که قرآن از زبان لشکر یان طالوت چنین نقل می کند: «آن ها که می دانستند خدا را ملاقات خواهند کردو به رستاخیز ایمان داشتند و گفتند: «كَمْ مِنْ فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَتْ فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ»؛ چه بسیارگروه های کوچکی که به فرمان خدا، برگروه های بزرگی پیروز شدند و خداوند با صبرکنندگان است (بقره/۲۴۹).

خداوند متعال در دستورهایی که به مبارزان جنگ بدر می دهد، به مسأله ی پایداری اشاره می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»؛ ای کسانی که ایمان آوردید، هنگامی که در میدان نبرد با گروهی روبه رو می شوید، ثابت قدم باشید، و خدا را فراوان یاد کنید، تارستگار شوید (انفال/۴۵).

علی علیه السلام پس از دستور به سپاهیان خود برای فراهم ساختن ساز و برگ جنگی، آنان را به پایداری توصیه می کند و آن را بهترین عامل پیروزی می شمارد: «وَأَسْتَشْعِرُوا الصَّبْرَ فَإِنَّهُ أَدْعَىٰ إِلَى النَّصْرِ»؛ شکیبایی را شعار خود قرار دهید که مهم ترین راه رسیدن به پیروزی است (شریف رضی، ۱۴۱۴: خطبه ۲۶ / ۶۸).

۷- توکل بر خداوند

توکل کننده محبوب خداست و چون محبّ هیچ گاه محبوب خود را رها نمی کند، بنابراین ذات اقدس خداوند هیچ گاه توکل کنندگان را به خودشان وا نمی گذارد و امور آنها را کفایت می کندلذامی فرماید: «وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ»؛ وهرکس که بر خداوند توکل کند، پس او کفایت می کند (طلاق / ۳).

درباره ی جنگ احد در قرآن آمده است: «إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَ عَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ»؛ رزمندگان اسلام مجروح بودند و نیرو و توانشان نیز کم بود، گروهی فرار کرده و گروهی نیز کشته شده بودند، ولی چون بر خدا توکل کردند، بر اثر امداد

غیبی، زمینه ای فراهم شد تا آسیب نبینند و با سرفرازی برگردند و کافران را نیز به هراس اندازند (آل عمران/ ۱۲۲).

۸- دعا

دعا از بالاترین عبادت ها است و قرآن بارها عظمت دعا را گوشزد کرده است. دعا یکی از بارزترین راه های بهره مندی از امدادهای غیبی است؛ به گونه ای که قرآن کریم یکی از ویژگی ها و سیره ی عملی پیامبران و اولیای الهی را دعا و مناجات می داند. مانند دعای یونس علیه السلام در شکم ماهی و دعای یوسف علیه السلام در گوشه زندان و دعای زکریا علیه السلام در هنگام سختی و غمناکی از نداشتن فرزند. در واقع دعا بزرگترین سلاح انبیاست. امام رضا علیه السلام فرمود: «عَلَيْكُمْ بِسِلَاحِ الْأَنْبِيَاءِ فَقِيلَ وَمَا سِلَاحُ الْأَنْبِيَاءِ قَالَ الدُّعَاءُ؛ به سلاح انبیا مسلح شوید؛ سؤال شد. سلاح انبیا چیست؟ فرمود: دعا و متوجه خدا شدن» (کلینی، ۱۳۶۲: ۲/ ۴۶۸).

رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمودند: «أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى سِلَاحٍ يُنَجِّيكُمْ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَيُدْرِي أَرْزَاقَكُمْ، قَالُوا بَلَى قَالَ تَدْعُونَ رَبَّكُمْ بِاللَّيْلِ وَ النَّهَارِ فَإِنَّ سِلَاحَ الْمُؤْمِنِ الدُّعَاءُ؛ آیا می خواهید سلاحی را به شما نشان دهم تا شما را از دشمنانتان نجات دهد و روزی شما را زیاد کند؟ عرض کردند: بلی! فرمود: «شب و روز خدا را بخوانید به درستی که دعا اسلحه ی مؤمن (کلینی، همان).

سنت بودن امدادهای غیبی

گرچه اراده خداوندی، طبق آیه «إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ» (مائده/ ۸۵). عین تحقق مراد است. اما سنت الهی بر این جریان دارد که هر امری را از راه اسباب خاص خود، به انجام رساند تا قانون مندی نظام هستی را خدشه دار نسازد. البته اسباب و علل، منحصر به علل مادی نیست و نزول امدادهای غیبی نیز جزو سلسله علل حوادث به شمار می آید که می توان با توجه به آیات قرآنی، به صورت ضابطه مند از آن بهره گرفت (مطهری، ۱۳۹۵: ۳/ ۳۴۶).

گروهی از آیات قرآن کریم به کمکهای ویژه خداوند به عنوان وعده تخلف‌ناپذیر الهی بر وقوع حتمی آنها تأکید نموده و می‌فرماید «وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاؤُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ؛ و در حقیقت، پیش از تو فرستادگانی به سوی قومشان گسیل داشتیم، پس دلایل آشکار برایشان آوردند، و از کسانی که مرتکب جرم شدند انتقام گرفتیم، و یاری کردن مؤمنان بر ما فرض است» (روم/ ۴۷).

همچنان خداوند در سوره «غافر آیه ۵۱» از حمایت مؤکد خود از پیامبران خویش و پیروان آنها چنین سخن می‌گوید: «إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ الْأَشْهَادُ؛ در حقیقت، ما فرستادگان خود و کسانی را که گرویده‌اند، در زندگی دنیا و روزی که گواهان برپای می‌ایستند قطعاً یاری می‌کنیم».

در اثبات امدادهای غیبی و سنت بودن آن و پیروزی پیامبران توجه به انواع عذابهایی که خدا بر مکذبان رسولانش در گذشته فرو فرستاده، کفایت می‌کند، چنانکه در قرآن کریم می‌خوانیم: (ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلَّ مَا جَاءَ أُمَّةً رَسُولُهَا كَذَّبُوهُ فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ؛ باز فرستادگان خود را پیپی روانه کردیم. هر بار برای [هدایت] امتی پیامبرش آمد، او را تکذیب کردند؛ پس [ما امتهای سرکش را] یکی پس از دیگری آوردیم و آنها را مایه عبرت [و زبانزد مردم] گردانیدیم. دور باد [از رحمت خدا] مردمی که ایمان نمی‌آورند) (مؤمنون/ ۴۴)

همچنان تقاضای پیامبران الهی نسبت به این‌گونه امدادها هم بر اهمیت تأثیر کمکهای ویژه خدا گواهی می‌دهد، و هم بر سنت و وجود آنها دلالت دارد. قرآن کریم این درخواست را از زبان نوح پیامبر (ع) (مؤمنون/ ۲۶) و لوط پیامبر (ع) (شعرا/ ۱۶۹-۱۷۰) و از رسول اکرم (ص) و مؤمنان در «سوره انفال آیه ۹» نقل می‌کند.

چگونگی نزول امدادهای الهی

کمکهای غیبی گاهی به صورت فراهم شدن شرایط موفقیت است و گاهی به صورت الهامات و هدایتها و روشنیها و روشن‌بینی‌ها. چنانکه در دو آیه از قرآن کریم به آن اشاره شده

است، یکی در مورد مدد‌هایی که به صورت فراهم شدن شرایط موفقیت است و دیگر در مورد مدد‌هایی که به صورت الهامات و هدایت‌های معنوی است.

در مورد فراهم شدن شرایط موفقیت و پیروزی می‌فرماید: «أَنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَ يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» ؛ اگر خدا را یاری کنید خداوند شما را یاری می‌کند و ثابت قدمتان می‌دارد. (محمد/ ۷)

در مورد الهامات و هدایت‌ها می‌گوید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» ؛ آنان که در راه ما کوشش و جدّیت به خرج می‌دهند ما راه‌های خود را به آنها ارائه می‌دهیم. خداوند با نیکوکاران است (عنکبوت/ ۶۹).

در جای دیگر قرآن کریم در داستان اصحاب کهف چنین می‌فرماید: «إِنَّهُمْ فِتْنَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَ زِدْنَاهُمْ هُدًى... وَ رَبَطْنَا عَلَى قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا» ؛ آنها گروهی جوانمرد بودند که پروردگار خویش را شناختند و بدو ایمان آوردند و ما بر هدایت و روشنایی آنها افزودیم و به قلب آنها قوّت بخشیدیم، زیرا آنها بپا خاسته بودند (و عقاید سخیف قوم خود را مورد حمله قرار داده بودند) (کهف/ ۱۳-۱۴).

در اینجا نیز سخن از مدد غیبی به صورت هدایت و روشن‌بینی است و هم سخن از تقویت نیروی اراده است و هر دو را مشروط کرده است به دو چیز: یکی قیام و بپا خاستن و دیگر لله و فی الله بودن قیام.

فشرده کلام اینکه؛ در زندگی افراد بشر انواعی از مدد‌های غیبی وجود دارد؛ که گاهی به صورت تقویت دل و اراده، گاهی به صورت فراهم شدن اسباب و وسائل مادی کار، گاهی به صورت هدایت و روشن‌بینی، به صورت الهام افکار بلند علمی. دست عنایت پروردگار در شرایط خاصی او را دستگیری می‌کند، و از ضلالت و گمراهی و سرگردانی و از عجز و ضعف و ناتوانی نجات می‌دهد.

تنوع امدادهای الهی

البه كمك هاي خداوند بر بندگان ممكن انواع و اقسام متفاوتي داشته باشد. چنانكه از جمله امدادهای الهی نازل شده که در قرآن عظیم می‌خوانیم؛ در جنگ بدر است؛ که می‌توان با

استفاده از آیات قرآنی نمونه‌ای از تنوع مدهای الهی را مشاهده کرد. قرآن انواع کمک‌های خداوند را در جنگ بدر چنین می‌شمارد:

۱- نزول فرشتگان (إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُم بِآلْفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُرْدِفِينَ)؛ خدای تعالی می‌فرماید: (به خاطر بیاورید) زمانی را (که از شدت ناراحتی در میدان بدر) از پروردگارتان تقاضای کمک می‌کردید و او تقاضای شما را پذیرفت (و گفت) من شما را با یک هزار از فرشتگان که پشت سر هم فرود می‌آیند یاری می‌کنم (انفال/ ۹).

در میان مفسران در این که آیا فرشتگان الهی وارد جنگ شدند یا خیر؟ در این زمینه مفسرین گفتگوی بسیاری را آورده‌اند، بعضی معتقدند که فرشتگان رسماً وارد صحنه نبرد شدند و با سلاحهای مخصوص به خود به لشکر دشمن حمله کردند و عده‌ای از آنها را به خاک افکندند، پاره‌ای از روایات را نیز در این زمینه نقل کرده‌اند. ولی قرائنی در دست است که نشان می‌دهد نظر گروهی که می‌گویند: فرشتگان تنها برای دلگرمی و تقویت روحیه مؤمنان نازل شدند، به واقع نزدیکتر است.

زیرا اولاً: در آیه فوق خواندیم که می‌فرمود: اینها تمام برای اطمینان قلب شما بوده است که با احساس این پشت گرمی بهتر مبارزه کنید، نه اینکه آنها اقدام به جنگ کرده باشند. ثانیاً: اگر بنا شود فرشتگان، شجاعانه سربازان دشمن را به خاک افکنده باشند چه فضیلتی برای مجاهدین بدر باقی خواهد ماند که اینهمه در روایات از آنها سخن به میان آمده است.

ثالثاً: تعداد مقتولین بدر ۷۰ نفر بودند که قسمت مهمی از آنها با شمشیر علی (ع) به خاک افتادند و قسمت دیگری به دست جنگجویان اسلام که غالباً قاتلین آنها در تاریخ به نام ذکر شده‌اند، بنا بر این چه باقی می‌ماند برای فرشتگان و چه کسی را آنها به خاک انداختند (تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ۷/ ۱۰۵).

۲- فراگرفتن خواب سبک؛ (إِذْ يُغَشِّيكُمُ النُّعَاسَ أَمَنَةً مِنْهُ)؛ (به خاطر بیاورید) هنگامی را که خواب سبکی که مایه آرامش از ناحیه خدا بود شما را فرو گرفت (انفال/ ۱۱).

«یغشی» از ماده «غشيان» به معنی پوشاندن و احاطه کردن است، گویی خواب همچون پرده‌ای بر آنها افکنده شد و آنها را پوشاند.

«نعاس» به ابتدای خواب و یا خواب کم و سبک و آرام بخش گفته می‌شود، و شاید اشاره به این است که در عین استراحت آن چنان خواب عمیقی بر شما مسلط نشد که دشمن بتواند از موقعیت استفاده کرده و بر شما شلیخون بزند. به این ترتیب مسلمانان در آن شب پر اضطراب، از این نعمت بزرگی که فردای آن روز در میدان مبارزه به آنها کمک فراوانی کرد بهره گرفتند. (تفسیر نمونه، ۱۳۷۴: ج ۷/ ۱۰۶)

۳- نزول باران «وَيُنَزِّلُ عَلَيْكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لِيُطَهِّرَكُمْ بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ» و آبی از آسمان برای شما فرو فرستاد تا با آن شما را پاک و پلیدی شیطان را از شما دور سازد (همان).

با سومین موهبتی که در جنگ بدر خداوند برای مسلمانان را یاری کرد نزول باران بود که بآن پلیدی هارا از خود دور کردند. و نیازهای شان برطرف کردند.

این پلیدی ممکن است وسوسه‌های شیطانی بوده و ممکن است پلیدی جسمانی بر اثر جنابت بعضی در آن شب و یا هر دو، و در هر حال این آب حیاتبخش که در گودالهای اطراف بدر جمع شده بود، در حالی که دشمن چاهها را در اختیار گرفته بود و مسلمانان نیاز شدیدی برای شستشو و رفع عطش به آن داشتند همه این پلیدیها را شست و با خود برد.

۴- افکندن رعب و وحشت در دل مشرکان یکی دیگر از امدادهای غیبی خداوند بود چنانکه در آیاتی از قرآن می‌خوانیم: «إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ آمَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَ اضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ»؛ (به خاطر بیاورید) موقعی را که پروردگارت به فرشتگانی وحی کرد من با شما هستم کسانی را که ایمان آورده‌اند ثابت قدم بدارید. بزودی در دلهای کافران ترس و وحشت می‌افکنم ضربه‌ها را بر بالاتر از گردن (بر سرهای دشمنان) فرود آرید و دست و پای آنها را از کار بیندازید (انفال / ۱۲).

نتیجه گیری

اینکه کمک های غیبی خداوند در هنگام سختی و مشکلات بر بنده گان بدون حساب نیست. بندگان در صورتی ازان برخوردار می شوند که قابلیت برخوردار شدن را با بکار بستن عوامل و شرایطی جلب امداد های غیبی، در خود ایجاد کنند، آنگاه خداوند چنین بنده ای را در سختی ها و مشکلات تنهائی گزارد. بر اساس آیات و روایات برخی عوامل جلب کمک های غیبی الهی عبارت انداز، ایمان، تقوا، اخلاص، صبر و استقامت در راه هدف های عالی اسلامی و انسانی، و توکل، نیکی بر پدر و مادر و...

کتابنامه

.....

- ابن بابویه، محمد بن علی، امالی صدوق، تهران، کتابچی، ششم، ۱۳۷۶.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، سوم، ۱۴۱۴ق.
- ثقة الاسلام کلینی، الکافی، تهران، اسلامیه، دوم، ۱۳۶۲ ش.
- حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت (ع)، ۱۴۰۹ق.
- درگاه زاده، محمد، امدادهای غیبی، مرکز پژوهش های صدا و سیما، ۱۳۸۱ش.
- ری شهری، محمد محمدی، میزان الحکمة، قم، دارالحديث، ششم، ۱۴۳۳ق.
- سیوطی، عبدالرحمن ابن ابی بکر، الدر المنثور، قم، کتابخانه آية الله مرعشی نجفی، اول، ۱۴۰۴ق.
- شریف رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، قم، دارالهجره، اول، ۱۴۱۴ق.
- طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، پنجم، ۱۴۱۷ق.
- طبرسی، فضل ابن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن / ترجمه ی مترجمان، تهران، فراهانی، اول، ۱۳۶۰ ش.
- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت، لبنان، موسسه الوفا، ۱۴۰۴ق.
- محدث نوری، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ق.
- مشایخ، فاطمه، قصص الانبیاء (قصص القرآن)، تهران، انتشارات فرحان، اول، ۱۳۸۱ش.
- مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اول، ۱۳۶۸ش.
- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۷۶ش.
- مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، اول، ۱۳۷۴ش.
- ناصری، محمد حسن، امدادهای غیبی از نگاه قرآن، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷ش.

